



## ... و مهندسی دیگر

امیر جعفرزاده

رتال جامع علوم انسانی

### دولت نهم و بانک مرکزی

دولت نهم در شهریور ماه ۱۳۸۴ با شعارهای انقلابی خود مدیریت اجرایی کشور را به دست گرفت. تفاوت دیدگاه این دولت با دولت قبل آن چنان زیاد و واضح بود که انتظار می‌رفت تمامی مناصب در اختیار دولت با تغییر و تحول مواجه شود. البته در بسیاری از بخش‌ها نیز چنین شد اما در چند مورد این مساله تحقق پیدا نکرد. یکی از این مناصب، رییس کل بانک مرکزی بود که البته بعد از دوسال کارش به استعفا رسید.

کناره‌گیری ابراهیم شیبانی از مسند ریاست کلی بانک مرکزی و جایگزینی طهماسب مظاهری به

تابستان ۸۶، تابستان داغی برای دولت بود. تابستانی که با سه تغییر عمده (دو استعفای وزیر و یک استعفای رییس کل بانک مرکزی) همراه بود. تغییراتی که به قصد همسویی بیشتر مدیریت اجرایی و مدیریت پولی کشور، با اهداف دولت نهم، انجام شد. تابستانی که تغییرات از شایعه به واقعیت مبدل می‌شد و مطالب رسانه‌ها حول گمانه‌زنی برای جانشینان آن مناصب می‌گشت. از آن جا که بانک مرکزی کشور، مهمترین عنصر تاثیرگذار در بازار پولی کشور است، واکاوی تغییر رییس کل این بانک، می‌تواند تا حدودی در روشن کردن وضعیت آینده بانک مرکزی مثر ثمر باشد.

جای وی، سرانجام این همکاری دوساله بود. این در حالی است که طی روزهای اخیر موضوع تحول در ساختار نظام بانکی از سوی مدیران دولتی و مسوولان اقتصاد کشور به شکل‌های مختلف نیز مطرح شده است.

شاید اگر محمود احمدی‌نژاد در بدو احراز مقام ریاست جمهوری در حلقه یاران و نزدیکان خود فردی با قابلیت و توانایی اداره نهادی حساس و تاثیرگذار چون بانک مرکزی را در اختیار داشت، این رودررویی فرسایشی که بیش از دو سال به طول انجامید، در همان روزها یا ماه‌های اول خاتمه پیدا می‌کرد. اما در همان زمان نیز تنها شخصی که از او به عنوان

جانشین احتمالی شیبانی نام برده می‌شد، پرویز داوودی بود که پست معاونت اول ریاست جمهوری برای وی در نظر گرفته شده بود. به این ترتیب، با وجود اختلاف نظرهای آشکار شیبانی با تصمیمات مجلس هفتم و دولت نهم که اولین و مهمترین آنها طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی یا به عبارت بهتر کاهش دستوری نرخ سود تسهیلات و یک رقمی کردن آن تا پایان برنامه چهارم توسعه بود و با خارج کردن اجازه انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی از دست این بانک توسط مجلس، این مخالفت‌ها تشدید شد، اما حساسیت نهاد سیاست‌گذار حوزه پولی و بانکی کشور یعنی بانک مرکزی و لزوم وجود فردی با قابلیت و تخصص لازم در راس این بانک، موجب مدارای نسبی طرفین خصوصاً شخص رییس جمهوری شده و این کشمکش‌های پیدا و پنهان، ادامه پیدا کرد تا این که سرانجام خبری که برای اولین بار از سوی روزنامه سرمایه در اولین روز مردادماه سال جاری مبنی بر "جایگزینی قریب الوقوع پهماسب مظاهری با ابراهیم شیبانی" منتشر شد و از آن روز به بعد چندین بار تکزبب گردید، جامه‌ی واقعیت پوشید و نهایتاً در شهریور ماه، ریاست مظاهری بر بانک مرکزی توسط غلامحسین الهام به عنوان سخنگوی دولت به طور رسمی اعلام و موافقت رییس جمهوری با استغای شیبانی نیز تایید شد.

### اختلاف شیبانی و احمدی نژاد

شرایط تفاهم و اختلاف افراد ریشه در شرایطی دارد که در آن قرار می‌گیرند. در سال اول دولت نهم، حداقل در سطح رسانه‌ها میان رییس کل بانک مرکزی و رییس دولت نهم تضادهای کمتری دیده می‌شد. اما شیبانی به انجام وظایف محتاط‌تر و در ظرف زمان می‌پرداخت. از جمله ارایه آمارهای تورم و نقدینگی و آمارهای دیگری که به عهده بانک مرکزی بود. از وظایف دیگر این رییس کل، ریاست شورای پول و اعتبار و تعیین نرخ بهره بانکی طبق تصمیم کارشناسی این شورا بود. رییس دولت نیز حداقل در ظاهر با این اقدامات مشکلی نداشت. اما در سال دوم کم‌کم تضادها و اختلافات این دو شروع شد.

در سال جاری مخالفت دکتر شیبانی با کاهش سود بانکی در شورای پول و اعتبار و اختلاف نظر وی و سایر مقامات بانک مرکزی با رییس جمهوری و تیم اقتصادی دولت درباره کاهش سود بانکی،

## در سال اول دولت نهم حداقل در سطح رسانه‌ها میان رییس کل بانک مرکزی و رییس دولت نهم تضادهای کمتری دیده می‌شد

موجب آشکار شدن تضادهای این دو رییس شد. در مقابل، در چند وقت اخیر، نقش دکتر شیبانی به عنوان رییس کل بانک مرکزی در برخی اقدامات دولت همچون مساله عبدالله طالبی (که رییس جمهوری آن را به صادق محصولی مشاور خود ارجاع داد و نه رییس کل بانک مرکزی) و تشکیل کمیته تحول نظام بانکی (که به پیشنهاد یکی از مدیران عامل بانک‌ها تشکیل شد و نه رییس کل بانک مرکزی) کم‌رنگ شده است. مطالبی که رییس جمهور و نزدیکان ایشان نسبت به تغییر و تحول در سیستم بانکی داشتند نیز صحنه بر این اختلاف داشت. بخصوص آن جا که رییس جمهوری در هفته‌های اخیر با انتقاد از عملکرد سیستم بانکی، در ۲ فرمان خواستار تغییر ساختار و کارکرد نظام بانکی شد. همچنین در ابتدای سال شورای پول و اعتبار به ریاست رییس کل بانک مرکزی رای به تثبیت نرخ سود بانکی داد که با مخالفت رییس جمهوری روبه‌رو شد و نهایتاً شورا نرخ سود تسهیلات را کاهش داد.

اما یکی از اقدامات دکتر شیبانی که شاید منجر به رفتش از بانک مرکزی شد، ارایه آمارهایی به مجلسیان بود که احتمالاً به مذاق دولت نهم خوش نیامد. شیبانی در مجلس سال ۸۶ برای توجیه چاپ اوراق مشارکت، آمارهایی از این قبیل ارایه کرد: میزان نقدینگی در ۳ ماهه اول سال ۸۶ همانند سال گذشته ۴/۴ درصد رشد داشته است، با این تفاوت که فشار افزایش قیمت‌ها نسبت به سال گذشته بیشتر شده است.

این دکترای اقتصاد همچنین با بیان اینکه

آهنگ نرخ تورم در سال جاری نسبت به سال گذشته افزایش یافته است، اظهار داشت: تورم دشمن هر چه خوبی است و بر اساس بررسی جدیدی که صورت گرفته، یک درصد تورم، ۰/۱۴ درصد رشد اقتصادی را کم می‌کند و به افشار آسیب‌پذیر، صدمه می‌زند. زمان اوراق مشارکتی که در سال گذشته به فروش رفته، شهریورماه و آبان‌ماه امسال پایان می‌یابد که یا باید اوراق مشارکت جدید جایگزین شده و به فروش برسد و یا پول جدید منتشر شود.

بنابراین یکی از گمانه‌ها در خصوص کناره‌گیری شیبانی از بانک مرکزی، ارایه آمارهایی است که نشانگر افزایش نقدینگی و تورم و فشار به افشار ضعیف می‌باشند. آمارهایی که ناکارایی دولت را در شعارهایش که بهتر کردن وضع افشار ضعیف است، به نمایش می‌گذارد.

همچنین شیبانی انتقادات صریحی را نسبت به استفاده بیش از حد از منابع صندوق ذخیره ارزی مطرح کرده بود. افزایش نقدینگی و آثار تورمی ناشی از تزریق منابع صندوق یادشده نکاتی بودند که شیبانی در چندین اظهارنظر رسمی نسبت به آنها هشدار داده بود. اختلاف نظر با دولت احمدی نژاد در این زمینه، از نگاه برخی از ناظران امور اقتصادی ایران از جمله دلایل کنار رفتن شیبانی بوده است. همین اختلافات موجب شایعه کناره‌گیری شیبانی از بانک مرکزی شده بود که از اوایل مرداد ماه در سطح رسانه‌ها مطرح می‌شد و تا یک ماه بحث روز رسانه‌ها بود، اما روابط عمومی بانک مرکزی سکوت خاصی در پیش گرفته بود که تغییر شیبانی را محتمل‌تر می‌ساخت.

این احتمالات در نهایت به جایی می‌رسد که در رسانه‌ها خبر آن این طور منعکس شد: ابراهیم شیبانی هفتمین مدیری است که طی سال گذشته از دولت نهم جدا می‌شود.

### از شایعه تا واقعیت

نخستین بار در سال ۱۳۸۴، زمان روی کار آمدن دولت نهم، احتمال تغییر دکتر ابراهیم شیبانی که از سال ۱۳۸۲ ریاست بانک مرکزی را بر عهده گرفته، مطرح شد و از پرویز داوودی به عنوان جایگزین احتمالی وی نام برده می‌شد، اما نهایتاً داوودی معاون اول رییس جمهوری شد و شیبانی در ریاست بانک مرکزی باقی ماند.

دومین بار بهار سال گذشته بحث تغییر شیبانی مطرح شد و حتی رایزنی‌هایی نیز با دکتر حسین



نمازی وزیر اقتصاد دوره اول دولت خاتمی صورت گرفت.

در آن زمان دکتر شیبانی در جمع خبرنگاران شایعه تغییر خود را کاملا تکذیب کرد؛ اما چندی بعد در همایش سالانه پولی و ارزی غیبت دکتر شیبانی بار دیگر گمانه‌زنی‌ها درباره تغییر وی را قوت بخشید، اما در همان همایش داوود دانش جعفری، وزیر اقتصاد اعلام کرد که شیبانی در سفر حج به سر می‌برد و دولت قصد تغییر وی را ندارد و نهایتاً دکتر شیبانی سال گذشته را نیز در بانک مرکزی باقی ماند. اما در شهریور ۸۶، وقتی برای سومین بار شایعه برکناری شیبانی سر زبان‌ها افتاد و هر چند کناره‌گیری شیبانی تکذیب می‌شد، اما در نهایت تحقیق پیدا کرد. پس از استعفای دکتر شیبانی دو گزینه بیش از

سایر گزینه‌ها مطرح شد. اول پرویز داوودی، معاون اول رییس جمهوری بود که تا قبل از آن بارها به عنوان کاندیدای احراز این پست مطرح شده بود و دیگری طهماسب مظاهری، مهندس فعال در عرصه‌های اقتصادی.

با این حال گمانه‌ها بیشتر در راستای این بود که این بار یک مهندس قرار است رییس بانک مرکزی شود. با وجودی که منابع خبری نزدیک به دولت از رایزنی با دکتر طهماسب مظاهری، مدیرعامل فعلی بانک توسعه صادرات برای بر عهده گرفتن ریاست کل بانک مرکزی خبر داده بودند، مظاهری از این رایزنی‌ها اظهار بی‌اطلاعی کرده بود؛ اما اعتقاد قوی مظاهری به کاهش سود بانکی (که از شعارهای اصلی دکتر احمدی‌نژاد بوده است) و تلاش‌هایی که وی در دوران تصدی وزارت اقتصاد در دوره خاتمی برای کاهش سود بانکی انجام داد، حکایت از آن داشت که در صورت انتصاب وی به ریاست کل بانک مرکزی، دیگر اختلاف‌نظری میان مقامات ارشد پولی و اجرایی کشور در این زمینه رخ نخواهد داد.

گمانه‌هایی که سرانجام رنگ واقعیت به خود گرفت و برای اولین بار در دو سه دهه اخیر یک مهندس، عنان بانک مرکزی را که یکی از عناصر مهم بازار پولی کشور نیز هست به دست می‌گیرد. رزومه کاری طهماسب مظاهری نیز یکی از مسایل جالب توجه بود که در سطح رسانه‌ها به

وزیر امور اقتصادی و دارایی و از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۵ معاون کل وزارت امور اقتصادی و دارایی و از تابستان سال ۱۳۸۵ تاکنون مدیرعامل بانک توسعه صادرات ایران بوده است.

صورت گسترده‌ای پوشش داده شد. رزومه‌ای که شرح آن به صورت ذیل است:

طهماسب مظاهری سال ۱۳۳۲ متولد شده و دارای مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد عمران از دانشکده فنی دانشگاه تهران است.

وی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۵۹ مدیر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰ معاون عمرانی استانداری کهگیلویه و بویر احمد، از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ قائم مقام سازمان برنامه و بودجه، از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۰ رییس بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳ دبیرکل بانک مرکزی، از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۶ قائم مقام مدیرعامل شرکت فولاد، از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳

### وضعیت آینده بانک مرکزی

حال با آمدن طهماسب مظاهری یکی دیگر از مناصب دست نخورده با به کار آمدن دولت نهم، دستخوش تغییر شد. تغییری که نگرانی‌ها و البته ابهاماتی را در خصوص آینده سیاست‌های بانکی ایران و وضعیت سیستم بانکی ایران به وجود می‌آورد.

این که آیا رییس جدید بانک مرکزی در حد معاون رییس جمهوری خواهد بود؟ یعنی به دستورات رییس جمهوری هرچند برخلاف نظرات کارشناسی باشد، عمل خواهد کرد و یا به کار کارشناسی بها خواهد داد؟ آیا بانک مرکزی از این پس آمارها را هر چند علیه دولت باشند، منتشر می‌کند؟ رییس جدید بانک مرکزی چه سیاست‌هایی را در بانک مرکزی دنبال خواهد کرد و با چه استراتژی‌هایی؟ و در نهایت باید پرسید آیا همانند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی که با آمدن یک مهندس به جای یک اقتصاددانان شاهد انحلال این سازمان بودیم، این تصمیم هم منجر به انحلال یا ادغام بانک مرکزی خواهد شد؟ آینده البته فرا خواهد رسید و آیندگان در مورد آن قضاوت خواهند کرد.

**برای اولین بار در دو سه دهه اخیر یک مهندس، عنان بانک مرکزی را که یکی از عناصر مهم بازار پولی کشور است به دست می‌گیرد**